



است. درباره دلیل فقر و نداری زنان کارگر و سرپرست خانوار بسیاری نکته‌ها می‌توان گفت ولی دلیلی که از همه مهم‌تر است سیاست‌های تعدیل ساختاری و آزادسازی اقتصادی هستند، سیاست‌هایی که همه جناح‌های رژیم در اجرای آن هم‌رأی و سهیم‌اند. آمارهای رسمی حاکی از آن‌اند که میانگین سن زنان سرپرست خانوار در کشور ۱۸ تا ۶۰ سال است. قبل از ظهور بحران کرونا، کارگران و **ادامه در صفحه ۳**

زنان کارگر و سرپرست خانوار، زندگی در زیر خط فقر!

مردم ایران با دشواری‌های بی‌شماری که اجرای سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی رژیم واپس‌مانده ولایت فقیه به‌وجود آورده است، دوران بسیار سختی را سپری می‌کنند. در این میان زنان کارگر و سرپرست خانوار علاوه بر تبعیض جنسیتی‌ای که در حق آنان روا داشته می‌شود، از تبعیض در کار نیز در رنج مضاعف‌اند. بر اساس آمارهای ارائه شده، بیش از ۳ میلیون زن در کشور ما سرپرست خانوارند. در ده سال گذشته تعداد خانواده‌هایی که زن سرپرست خانواده‌اند ۵۸ درصد افزایش داشته

نامۀ
کارگری
ضمیمه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۳، ۵ خرداد ماه ۱۳۹۹

امنیت شغلی کارگران صنعت نفت؛ مبارزه نفتگران ضد قراردادهای موقت!



کارگران کشورمان در مبارزه سالیان اخیر خود به تجربه دریافته‌اند که دستیابی به حقوق کار، دستمزدی بهتر، و شرایط مناسب‌تر محیط کار و وضع معیشت، با مبارزه برای تشکیل سندیکاهایی مستقل با ماهیتی طبقاتی و دستیابی به امنیت شغلی ممکن خواهد شد. اعتراض‌های ۲۹

اردیبهشت‌ماه کارگران عسولویه به "شیفت‌های کاری" تحمیلی پیمانکار، مبارزه کارگران معدن زغال سنگ کرمان ضد خصوصی‌سازی، برای دستیابی به قراردادهای "دائمی"، و تأکید ۲۹ اردیبهشت‌ماه آنان بر اجرای درست "طرح طبقه‌بندی مشاغل"، مبارزه کارگران شهرداری تبریز برای "حذف شرکت‌های پیمانکاری"، نمونه‌هایی از مبارزات زحمتکشان کشورمان به‌منظور دستیابی به امنیت شغلی و دستمزدی بهتر در هفته‌های اخیر بوده است.

رژیم ولایی در سال‌های اخیر با گسترش مناطق "آزاد و ویژه اقتصادی"، به‌خصوص با تبدیل مناطق نفت‌خیز و مناطقی با شرکت‌های پتروشیمی به مناطق "آزاد و ویژه اقتصادی"، بی‌قانونی و بهره‌کشی از کارگران شاغل در صنایع نفت را به‌طور وحشیانه‌ای تشدید کرده است. بخشی از کارگران شاغل در پتروشیمی‌های عسولویه (پارس جنوبی) مجبور به تردد بین شهرهای مختلف هستند. کارگران این پتروشیمی‌ها، ۲۹ اردیبهشت‌ماه ۹۹، از تغییر نحوه کار "یک هفته روزکار، یک هفته شب‌کار و یک هفته استراحت" به "برنامه [کاری] ۱۲ ساعت شیفت به‌صورت ۴ روز روزکار و ۴ [روز] شب‌کار و ۴ روز استراحت"، از اول خردادماه تجمع اعتراضی برگزار کردند. رژیم ولایی برای ایجاد تفرقه بین کارگران و تشدید بهره‌کشی در صنایع نفت، با لایه‌بندی نیروی کار، تبعیض در پرداخت دستمزد و مزایای کاری، بهره‌کشی کارگران را به‌طور سبعانه‌ای تشدید کرده است. در این صنایع و مناطق پرداخت دستمزد بنا بر قانون "کار یکسان - مزد یکسان" مفهومی ندارد. کارگران با تخصصی یکسان با قراردادهایی "رسمی - مستقیم"، "پیمانکاری"، "معین" و "ارکان ثالث" به‌کار گرفته می‌شوند. کارگران رسمی بیشترین مزایا را دارند و گاهی تا ۸

میلیون تومان در ماه دستمزد دریافت می‌کنند؛ در صورتی که کارگران "ارکان" **ادامه در صفحه ۲**

تأملی بر ضرورت تقویت بنیه جنبش کارگری و سندیکایی کشور

در وضعیت همه‌گیری ویروس کرونا، ازجمله مهم‌ترین موضوع‌های چند هفته اخیر ادامه یافتن اجرای برنامه تعدیل ساختاری - به‌ویژه گسترش خصوصی‌سازی - با حمایت مستقیم ولی‌فقیه بوده است. آزادسازی سهام عدالت و واگذاری شستا نمونه‌هایی از راهبرد حکومت جمهوری اسلامی در مقطع زمانی حساس کنونی است. اگر چوب حراج زدن بر ثروت ملی زیر نام خصوصی‌سازی را (که درحقیقت اقدام برنامه‌ریزی‌شده رژیم برای اتصال محکم‌تر با سرمایه مالی جهانی است) درکنار تحولات داخلی و خارجی و همچنین تحولات در معادله‌های قدرت در حاکمیت قرار دهیم، دورنمایی دقیق‌تر از سیر رویدادها یا به‌عبارت دقیق‌تر مبارزه طبقاتی جاری در جامعه را می‌توانیم ترسیم کنیم.

در هفته‌های اخیر هم‌زمان با گسترش خصوصی‌سازی، کارگران میهن ما به مخالفت و مبارزه‌شان با این برنامه ضد ملی ادامه دادند. اعتصاب متحد کارگران معدن کرمان، اعتراض زحمتکشان به مصوبه مزد ۹۹ و خواست لغو آن، اعتراض‌های متعدد کارگران هپکو، آذرباب و دیگر واحدهای بزرگ صنعتی، به‌همراه حرکت‌های اعتراضی **ادامه در صفحه ۲**

پیش به سوی سازمان‌دهی مبارزه منسجم و سراسری کارگران و زحمتکشان بر ضد ظلم، بی‌عدالتی، محرومیت، و سرکوب حقوق صنفی کارگران؛ برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری و در راه طرد رژیم ولایت فقیه!



سران خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار، و کانون عالی انجمن‌های صنفی درخصوص این یا آن مورد مشخص مسائل رفاهی را دیده‌ایم و دیده بودیم. این مانورها نشانه تغییر و تحول نیستند. سیر شکاف، تقابل، و جدایی بین بدنه و رهبری فاسد تشکل‌های زرد حکومتی را- به‌ویژه کانون عالی شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر- نباید با سیاست کلی و حاصل جمع موضع‌گیری‌های این تشکل‌ها مخلوط کرد و از آن ارزیابی‌هایی نادرست به‌دست‌داد. تأکید بر استقلال عمل طبقاتی به‌معنای دفاع بی‌خدا از حقوق صنفی و سیاسی طبقه کارگر و زحمتکشان و مرزبندی کردن روشن با استبداد مذهبی و اهرم‌های مداخله آن در امور کارگری یعنی تشکل‌های زرد حکومتی است. جنبش کارگری و سندیکایی بدون مرزبندی روشن با استبداد حاکم، بدون تعیین سیاست صحیح برای تأمین منافع صنفی و رفاهی کارگران، قادر نخواهد بود بذر آگاهی طبقاتی را میان توده‌های کارگر بیفشانند. حضور میان کارگران، استفاده از همه امکانات و روزنه‌ها، به‌کار بردن تاکتیک‌های سنجیده، پافشاری بر اتحاد عمل، یگانه راه تقویت بنیه جنبش کارگری- سندیکایی در این مقطع زمانی است.

ادامه امنیت شغلی کارگران ...

ثالثی، که بخشی از آنان فارغ‌التحصیل دانشگاهی‌اند در حدود حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار- یعنی حدود ۲ میلیون تومان در ماه- را دریافت می‌کنند. این کارگران کوچک‌ترین امنیت شغلی ندارند و دلالتان پیمانکار هر طور که بخواهند به کارگران‌شان دستمزد می‌دهند. در شرایطی که "تاها" رسمی‌ها حدود ۷۰ یا ۸۰ هزار تومان است، "کل سه وعده‌ی غذای یک کارگر پیمانکاری، ۲۷ هزار تومان" در روز است.

بر اساس قانون کار رژیم ولایتی، "طرح طبقه‌بندی مشاغل" باید در کارگاه‌هایی با بیشتر از ۵۰ کارگر اجرا گردد. خیلی از تجمع‌های اعتراضی کارگران پتروشیمی‌ها در سال‌های اخیر به‌علت اجرا نشدن یا اجرای ناقص "طرح طبقه‌بندی مشاغل" بوده است. بنا به گزارش اینلنا، ۳۰ اردیبهشت‌ماه ۹۹، حاتم شاکرمی، معاون روابط کار وزارت کار، در دی‌ماه ۹۸ گفته بود: "همه کارگران اعم از قرارداد موقت، دائم و فصلی شاغل در کارگاه‌های مشمول قانون کار باید با طرح طبقه‌بندی مشاغل تطبیق یابند."

گرچه رژیم ستمگر ولایتی "طرح طبقه‌بندی مشاغل" را در اکثر کارگاه‌های مشمول قانون کار نیز اجرا نمی‌کند، با تبدیل بعضی از مراکز نفتی به مناطق "آزاد و ویژه اقتصادی" و به بهانه مشمول قانون کار نشدن این مناطق، بهره‌کشی از کارگران را تشدید می‌کند. اجرا نشدن خصوصی‌سازی و اجرای "طرح طبقه‌بندی مشاغل" مهم‌ترین خواست‌های بیش از ۳۰۰۰ کارگر معدن زغال‌سنگ کرمان بود. روز ۲۸ اردیبهشت‌ماه مدیرعامل صندوق بازنشستگی فولاد به‌همراه فرمانداران و دیگر کارگزاران امنیتی رژیم با پرداخت ماهیانه ۵۰۰ هزار تومان به هر کارگر به‌عنوان اجرای "طرح طبقه‌بندی مشاغل" درصدد خاتمه دادن به اعتصاب کارگران برآمدند، اما کارگران خواستار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل همراه با افزایش ۱ میلیون تومان در ماه بودند.

رژیم بعد از نشان دادن ماهیت واقعی‌اش در بازداشت "موقت سه نفر" از کارگران، متعاقب وعده نماینده ولی فقیه به "پیگیری" خواست‌های کارگران، بر اساس گزارش اینلنا، ۳۰ اردیبهشت‌ماه، کارگران به سر کار بازگشتند. به‌عبارت‌دیگر، فقط با مبارزه‌ای پیگیر و متحد، می‌توان رژیم ارتجاعی ولایت فقیه را به‌عقب‌نشینی واداشت.

ادامه تأملی بر ضرورت تقویت بنیه جنبش کارگری ...

پرستاران و همچنین خواست عاجل بازنشستگان و مستمری‌بگیران برای افزایش حقوق و مستمری، نمونه‌هایی‌اند از مقاومت و مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان کشور در حال حاضر. این اعتصاب‌ها و اعتراض‌ها و خواست‌ها درحالی که رژیم و ارگان‌های امنیتی‌اش انواع نیرنگ‌ها را با همه توان به‌منظور مهار و کنترل جنبش کارگری به‌کار گرفته‌اند همچنان بر پا می‌شوند و ابراز می‌گردند. در مورد بیان موضع‌گیری‌های قوه قضاییه در زمینه جنبش اعتراضی زحمتکشان از طریق سخنگویش نیز باید توجه دقیق‌تر شود، زیرا از سویی گواه هراس و نگرانی رژیم از اعتلا و تقویت مبارزات کارگری است و از دیگر سو زاویه‌های کمتر پیدای برنامه و محاسبه‌های امنیتی- سیاسی رژیم به‌هدف مهار و به‌انحراف کشاندن حرکت‌های سندیکایی و کارگری را آشکار می‌کند. خبرگزاری اینلنا، ۱۶ اردیبهشت‌ماه، در گزارشی از قول سخنگوی قوه قضاییه، نوشت: "نظر ما این است که بین اعتراضات کارگری و اقدام علیه امنیت ملی و اقداماتی که تحت تأثیر بیگانگان شکل می‌گیرد، فرق بگذاریم و توصیه شده درباره اعتراضات کارگری با اغماض برخورد شود. ... این سیاست دستگاه قضایی است که نسبت به اعتراضات کارگری با ارفاق و مدارا رفتار کند." باید پرسید چه رخ داده است که دستگاه قضای قرون‌وسطایی رژیم و رأس آن یعنی شخصی چون ابراهیم رئیسی با آن سابقه به‌یک‌باره اعمال سیاست "اغماض" در برابر اعتراض‌های کارگری را به‌نمایش می‌گذارد؟! چه تغییر و تحول‌هایی درحال رخ دادن است و چرا، که چنین موضع‌گیری‌هایی از سوی نظام به‌ویژه قوه قضاییه‌اش تبلیغ و بزرگ‌نمایی می‌شود؟! به‌علاوه، آیا میان این‌گونه مانورهای به‌دقت محاسبه‌شده با راهبرد حفظ نظام و اتصال محکم‌ترش به سرمایه مالی جهانی در خلال چوب حراج زدن بر ثروت ملی نباید ارتباطی دید و بر آن انگشت گذاشت؟! این نکته را نیز بیفزاییم که روی دیگر سکه به‌اصطلاح سیاست "اغماض" در برابر اعتراض‌های زحمتکشان، فشار به فعالان صنفی و سندیکایی است! تأیید حکم‌های سنگین و ظالمانه قضایی برای اعضای انجمن صنفی فرهنگیان استان خراسان شمالی، زاویه‌های پنهان دیگری از سیاست چندوجهی مهار جنبش کارگری را آشکار می‌کند. مبارزان جنبش سندیکایی نه‌تنها نباید در دام این مانورهای فریبکارانه به‌ویژه از سوی دستگاه قضایی بیفتند، بلکه با درایت تمام باید به افشای این سیاست به‌منظور آگاهی توده‌های کارگر بپردازند. سیر رویدادها معرف این واقعیت است که مبارزه مردم ما با دیکتاتوری و همچنین به‌مداخله‌ها و تحریم‌های خارجی به مرحله تازه‌ای گام می‌گذارد. انباشت ناراضی‌های اجتماعی ازجمله و به‌ویژه در میان کارگران و زحمتکشان و همچنین خشم و ناراضی‌های توده‌های مردم از سیاست‌های رژیم ولایت فقیه، واقعیت‌هایی انکارناپذیرند که از چشم سران نظام نیز پنهان نمانده‌اند. از این‌روی، چگونگی حضور، نقش، و جایگاه جنبش کارگری و سندیکایی و نیز میزان اثرگذاری‌اش بر تحول‌ها و خیزش‌های احتمالی اجتماعی، در زمره مهم‌ترین مباحث سیاسی در کشور ماست. ارزیابی واقع‌بینانه از سیر رویدادها این نکته محوری را برجسته می‌سازد که باید با تمام توان در راه تقویت بنیه جنبش کارگری و سندیکایی با استفاده از همه امکانات کوشید. این وظیفه‌ای انقلابی در این مقطع زمانی حساس است. حضور در میان توده‌های کارگر در سطح کارگاه‌ها و کارخانه‌ها اولویت یا به‌عبارت‌دیگر اصل مقدم در راه تقویت بنیه جنبش کارگری و سندیکایی است. بدون ارتباط گرفتن با توده‌های کارگر و محصور کردن خویش در فضای بحث‌های انحرافی و ذهنی این امکان فراهم می‌شود تا ارگان‌های امنیتی (با همدستی تشکل‌های زرد حکومتی) بتوانند در لفافه‌های رنگارنگ در صف‌های جنبش تفرقه بیندازند. از هر اقدام و بحث تفرقه‌افکنانه به‌هر شکل و بهانه‌ای باید اکیداً پرهیز کرد. ضمن رعایت این اصل باید توجه داشت که تقویت بنیه جنبش کارگری و سندیکایی بدون اتحاد و استقلال عمل طبقاتی تحقق‌پذیر نخواهد بود. از این‌رو در هرگام و اقدام عملی و در مباحث نظری توجه به این نکته مهم که هیچ‌یک از تشکل‌های زرد حکومتی نماینده زحمتکشان نیستند و شناسنامه سندیکایی ندارند یک اصل اساسی است. تغییر و تحولی در تشکل‌های زرد حکومتی و رهبری فاسدشان نمی‌بینیم. اصولاً این تشکل‌ها ماهیتی سندیکایی- کارگری ندارند و رهبری‌شان حتا در تظاهر به دفاع از حقوق صنفی کارگران ظرفیت لازم را ندارند. باید یادآور شویم که در تحولات هفته‌های اخیر به‌ویژه مباحث مربوط به مصوبه مزد ۹۹ و احیای حقوق سندیکایی، بیشتر مانورهای فریبکارانه

ادامه زنان کارگر ...



زحمتکشان به‌ویژه زنان کارگر و سرپرست خانوار با دشواری زندگی خود و فرزندان‌شان را تأمین می‌کردند. با گسترش بحران کرونا هم معیشت و هم سلامت این زحمتکشان بیش از گذشته با دشواری و خطر روبرو شده است. بسیاری از این زنان زحمتکش در راهروهای مترو یا در پیاده‌روها دستفروشی می‌کنند. در خانه ماندن و حفظ "فاصله‌گذاری" برای این زنان زحمتکش معنایی ندارد! بسیاری دیگر از این زنان، کارگرانی هستند که در کارگاه‌های زیرزمینی مشغول به‌کارند و با بروز ویروس کرونا بیش از دیگران آسیب دیده‌اند. نکته بسیار با اهمیت تصویب افزایش بسیار ناچیز ۲۱ درصدی دستمزد برای سال ۹۹ از طرف دولت و پیامدهای ناگوار آن برای زنان کارگر است. زنان کارگر اغلب در کارگاه‌های کوچک و کمتر از ده نفر شاغل‌اند. همین قانون کار موجود هم در مورد کارگران این کارگاه‌ها و مسائل‌شان اجرا نمی‌شود. زنان کارگر و سرپرست خانوار مجبورند با بیش از ۸ ساعت کار در روز با دستمزدی کمتر از آنچه تصویب شده است کارهایی سخت و طاقت‌فرسا انجام دهند. خبرگزاری دولتی ایرنا، ۱۵ اردیبهشت‌ماه، گزارش می‌دهد: "با توجه به گستردگی و فراوانی این کارگاه‌ها و همچنین محدودیت نیروی کار در واحدهای نظارت ادارات کار، امکان نظارت بر شرایط کاری زنان کارگر بسیار مشکل است و زنان کارگر در این کارگاه‌ها شرایطی که قانون کار تعریف کرده، را ندارند." چنین پیش‌آمده است که این روزها بسیاری از مسئولان ریزودرشت رژیم واقعیت‌های موجود را بر زبان می‌آورند، اما توقع و انتظار داشتن از آنان برای نظارت و فراهم ساختن شرایطی سالم و مفید در محیط کار از طرف آنان و نهادهای وابسته به حکومت بس عبث است. پرواضح است که در نبود سندیکاهای مستقل کارگری دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان با مانع روبرو است. باید با تشدید مبارزه با حکومت جمهوری اسلامی این سندیکاهای مستقل را برقرار کرد. وظیفه مهم زنان کارگر در این شرایط دشوار، مبارزه‌ای متحد و منسجم، هم‌پای مردان هم‌طبقه خود، در راه احیای سندیکاهای مستقل کارگری است. بی‌شک با زرم مشترک این درد مشترک درمان می‌شود.

ادامه در دفاع از حقوق بازنشستگان و ...

سیزوه پالما، سخنگوی ملی کوساتو
برگرفته از سایت کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی (کوساتو)،
۱۶ اسفندماه ۱۳۹۸

<http://mediadon.co.za/2020/03/06/cosatu-outrightly-rejects-the-suggestion-by-the-anc-national-spokesperson-cde-pule-mabe-for-pensions-to-fill-the-funding-gap-for-emerging-enterprises>

چرا ایمنی و بهداشت محیط کار رعایت نمی‌شود؟



متعاقب تأکید اخیر ولی فقیه بر "حذف مقررات دست‌وپاگیر"، خبرگزاری ایلنا، ۲۹ اردیبهشت‌ماه ۹۹، از برون‌سپاری "بازرسی بیمه‌ای و احراز اشتغال" کارگران ساختمانی به‌وسیله سازمان

تأمین اجتماعی گزارش داد. بر اساس دیدگاه نولیبرالی رژیم، بازرسی از محیط کار به‌وسیله بازرسان وزارت کار یکی از "مقررات دست‌وپاگیر" است!! و باید حذف گردد. به‌خصوص در ۷ سال اخیر وزارت کار به‌مرور از تعداد بازرسان و بازرسی‌ها کاسته است. وزیر کار وقت و سخنگوی دولت درحال حاضر یعنی علی ربیعی چند سال پیش گفته بود: "در بازرسی‌های کار تجدیدنظر و برخی از بازرسی‌ها را برون‌سپاری کردیم." ربیعی در ادامه این اقدام به ایلنا، ۲ دی‌ماه ۱۳۹۳، گفت: "به‌جای آنکه بازرسی کار را افزایش دهیم در هر کارگاه یک نفر مسئول ایمنی کار را با تعامل با کارفرما قرار می‌دهیم." وزارت کار با این هم فراتر گذاشت و معاون وزارت‌خانه با اشاره به "مدل جدید بازرسی خودکار" به ایلنا، ۱۷ دی‌ماه ۱۳۹۳، گفت: "در مدل جدید سیستم خودبازرسی کار غرامت محوری و جریمه کارفرما کاملاً امحا شده و رویکرد تعامل فعال با کارفرما با هدف ایمن‌سازی محیط کار" در پیش گرفته می‌شود. در ادامه این پویه، اکنون به جایی رسیده‌ایم که رئیس کانون انجمن‌های صنفی مسئولین کمیته‌های حفاظت فنی و بهداشت کار کشور به ایلنا، ۱۷ اردیبهشت‌ماه ۹۹، گفته است: "بیش از ۴ میلیون محیط کار مشمول قانون کار در ایران وجود دارد. تعداد بازرسان وزارت کار حدود ۱۲۰۰ نفر است... [بنا بر این] هر پنج سال یک بار، یک کارگاه می‌تواند از سوی بازرسان، بازرسی شود... ما دقیقاً نمی‌دانیم بر چه چیزی نظارت می‌شود... بسیاری از حوادث کار که منجر به مرگ یا مصدومیت نظارت می‌شود، ثبت نمی‌شوند... کرونا جان کارگران را تهدید می‌کند و آنها فقط ابزار خودمراقبتی را دارند."

همچنین در همین راستا یعنی "حذف مقررات دست‌وپاگیر"، مجلس روز ۵ خردادماه ۱۳۹۳، به وزارت صنعت به‌اصطلاح "اجازه" داد تا با ۳۵۰۰ نفر از بازرسان در حوزه نظارت بر بازار "قرارداد کار معین منعقد کند." اکنون بعد از حدود ۶ سال، به‌دنبال جان باختن ۱۹ کارگر معدن در سال ۱۳۹۸، در بحث نبود پوشش نظارتی بازرسان وزارت صنعت، کارشناس ایمنی و بهداشت کار به ایلنا، ۶ فروردین‌ماه ۹۹، گفت: "سال ۱۳۹۸ را باید سال مرگ ارزان معدنچیان ایرانی نامید." به‌نظر می‌رسد ولی فقیه به "مرگ ارزان" کنونی کارگران قانع نیست.

بنا به گزارش ایلنا، ۴ اردیبهشت‌ماه ۹۹، نماینده ارومیه در مجلس در روز ۲ اردیبهشت‌ماه، از مبتلا شدن ۳۷ نفر از کارگران پتروشیمی "به بیماری کرونا" خبر داد. او گفت: "پتروشیمی ارومیه بدون رعایت اصول بهداشتی، کارگران را در ایام تعطیلی واحدها، دعوت به کار کرد." روز بعد استاندار ارومیه تعداد مبتلا شدگان در پتروشیمی را ۳۸ نفر عنوان کرد، و مدیرکل تعاون و رفاه اجتماعی استان آذربایجان غربی نیز گفت: "در پتروشیمی ارومیه... هیچ اقدامی برای جلوگیری از گسترش ویروس [کرونا] صورت نگرفته است." درحالی‌که رژیم ولایت مدعی است به کشورهایمانند آلمان "گیت تست" و "ماسک" فرستاده است، اما به‌دلیل کمبود "گیت تست" - تا زمان تهیه این گزارش ایلنا - دیگر کارگران شاغل در پتروشیمی تست نشده بودند. جالب این‌جاست که دبیرخانه امور بیمه‌ای کارگزاری‌های سازمان تأمین اجتماعی تازه در روز ۲۳ اردیبهشت‌ماه انجام فرایند بازرسی کارگزاری‌ها را صرفاً "بلامانع" اعلام کرد. روز ۲۹ اردیبهشت‌ماه کارگران "خطوط آب‌نیه فنی راه‌آهن جنوب شرق" خواستار ایجاد تشکل "مستقل کارگری" شدند. آنان دستیابی به امنیت شغلی و "ایمنی و بهداشت پیشگیرانه در ایامی که کرونا امنیت جانی" کارگران را به خطر انداخته است را درگرو بر پای تشکل "صنفی مستقل" دانستند.



سرمایه‌گذاری در مناطق حاشیه‌ای و اقتصاد شهرهای کوچک باشد، زیرا بدین ترتیب مستقیماً با اقتصاد مردم سروکار پیدا می‌کند. دولت کنگره ملی آفریقای جنوبی به کاستن از بوروکراسی و هماهنگ کردن سازمان‌های دولتی و نهادهای حامی مشاغل کوچک و بهبود بخشیدن به آن‌ها نیاز دارد. کنگره ملی آفریقای جنوبی بایستی که زمان زیادی را برای علنی کردن تصمیم‌ها و بحث در مورد بودجه پیشنهادی صرف کند. بودجه باید مترقی و در جهت منافع قشرهای مولد و تهیدستان تنظیم شود. اتحادیه کارگری ما همچنین از کنگره ملی آفریقای جنوبی می‌خواهد که با مشکلات ساختاری و تمرکز در بخش بانکی برخورد کند. تمرکز روی بهبود دسترسی به امکانات بانکی مناسب باید باشد، زیرا بانک‌های اصلی و مؤسسه‌های مالی، مشاغل کوچک را در حکم مشتری به‌حساب نمی‌آورند. در نتیجه، این مشاغل برای دستیابی به امکانات مالی به‌منظور رشد با مشکل مواجه‌اند. لازم است که دولت دخالت کرده و امکان دسترسی مالی را برای آن‌ها تسهیل کند. در آفریقای جنوبی ۵ بانک بزرگ مسئول بیش از ۹۰ درصد سپرده‌های مالی هستند و این یکی از سیستم‌های بانکی متمرکز جهانی است. گرایش عمومی سازمان‌های بزرگ چنین است که هر لحظه در حال بزرگ‌تر شدن‌اند و اساساً پاسخگوی تصمیم‌هایشان نیستند و وسوسه کسب قدرتی بیشتر را دارند. نیاز آفریقای جنوبی این است که بخش مالی و بانکی را از انحصار بخش خصوصی در بیاورد، زیرا این بانک‌های بزرگ به مشاغل کوچک وام نمی‌دهند. رهبری کنگره ملی آفریقای جنوبی باید بانک مرکزی را وادار کند که آگاهانه وام پرداخت کند و اجازه دهد که صاحبان مشاغل کوچک به سیستم مالی مناسب دسترسی داشته باشند.

همچنین ما خواستار آنیم که کنگره ملی آفریقای جنوبی قاطعانه سیاست‌های مالی را تغییر دهد تا شرایط پرداخت وام و اعتبار و تأمین بودجه و میزان بهره در بخش خصوصی به‌سود مردم تغییر یابد. خزانه‌داری چندان رغبتی برای اعمال کنترل مناسب روی بانک‌های تجاری ندارد، با این اطمینان که بخشی از وام‌های پرداختی به‌منظور ایجاد شغل و در سطحی وسیع برای رشد اقتصادی استفاده می‌شوند. نرخ بهره، شاید مؤثرترین عامل در اقتصاد، فقط موضوعی فنی نیست، بلکه تأثیری عمیق بر همه بخش‌های اقتصادی دارد. عامل رشد سرمایه‌گذاری از طریق وام گرفتن است و نرخ بالای بهره، هزینه وام گرفتن برای صاحبان مشاغل کوچک را بسیار بالا برده و تولیدکنندگان خرد قدرت بازپرداخت آن را ندارند. منابع مالی صندوق‌های بازنشستگی قطعاً نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری انواع جدید مالکیت در اقتصاد دارند، ولی آن‌ها فلک‌های آزمایشگاهی دولت برای پوشاندن اشتباه سیاست‌های اقتصادی‌اش نیستند.

ادامه در صفحه ۳

در دفاع از حقوق بازنشستگان و صندوق‌های بازنشستگی



کارزار کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی برای حمایت از حقوق بازنشستگی در سطح کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و محله‌های کارگری کنگره اتحادیه‌های کارگری آفریقای جنوبی (کوساتو) با پیشنهاد پل مینی، سخنگوی کنگره ملی آفریقای جنوبی (ا-ان-سی)، مینی بر تأمین کسری بودجه شرکت‌های متوسط و کوچک و مایکرو (اس-ام-ام-ای) با پس‌انداز صندوق بازنشستگی به‌شدت مخالف است. پل مینی در گردهمایی شورای مشاغل آفریقای تبارها پیشنهاد داد که این کاهش بودجه با پول صندوق بازنشستگی تأمین گردد.

ما معتقدیم که به مسائل و مشکلات مشاغل کوچک باید توجه ویژه شود، اما تأکید می‌کنیم که استفاده و دستبرد به پس‌انداز بازنشستگی راه‌حل نیست. صندوق بازنشستگی پس‌انداز کارگران بوده و باید آن‌چنان سرمایه‌گذاری گردد که زحمتکشان از بابت آن بهره‌مند شوند. از دارایی زحمتکشان نباید به‌منظور جبران سیاست‌های اشتباه سوءاستفاده و به آن دستبرد زده شود. واقعیت این است که دورنمایی که برنامه توسعه ملی ۲۰۳۰ (ان-دی-پی) که از سوی دولت کنگره ملی آفریقای جنوبی در سال ۲۰۱۲ ارائه گردید و مطابق آن مشاغل کوچک را همچون موتور رشد اقتصادی و ایجاد کننده مشاغل معرفی کرده است، اقدامی عملی برای اجرای آن تا کنون صورت نگرفته بود. برنامه‌های اقتصادی بازتابی از برآیند و توازن قوا در دولت بوده و نشانگر آن است که به‌کارگیری سیاست‌های اقتصادی‌ای محافظه‌کارانه و لیبرالی در حمایت از سرمایه‌داران و به‌زیینه مشاغل کوچک و کارگران در جریان است. به‌علاوه، این خود نیز از توازن نیروهای طبقاتی در دولت کنگره ملی آفریقای جنوبی هم حکایت می‌کند. کنگره ملی آفریقای جنوبی اخیراً در سطح ملی از یک بودجه ضد کارگری حمایت کرده است. این بودجه هیچ‌چیزی به مایکروها و شرکت‌های کوچک در نواحی و شهرهای مختلف که اغلب تغذیه یا تأمین لباس و پوشاک برای مردم را بر عهده دارند، ارائه نمی‌دهد. از آنجایی که کنگره ملی آفریقای جنوبی در این بودجه ارائه شده ابرادری نمی‌بیند از جیب کارگران می‌دزدد و حقوق، مزایا، و بازنشستگی آنان را کاهش می‌دهد، و با کمال تعجب دیده می‌شود که دولت با همان پول بازنشستگی کارگران می‌خواهد مشاغل کوچک را تقویت کند.

کنگره ملی آفریقای جنوبی باید به‌جای پنهان شدن پشت صندوق بازنشستگی کارگران، برای تغییر برنامه‌های محافظه‌کارانه و لیبرالی دولت تلاش اساسی کند. شوربختانه کنگره ملی با تشویق دولت حقوق کارگران را قربانی می‌کند. به‌نفع همه خواهد بود که در گام نخست با تضعیف مشاغل کوچک مبارزه شود، با سیاست‌های دولت علیه طبقه کارگر و تهیدستان شهر و روستا مقابله گردد. به‌منظور برون‌رفت از این معضل، کشور به برنامه اقتصادی‌ای جایگزین نیاز دارد. بودجه ملی بایستی در جهت تشویق

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس پستی:

B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

<http://www.tudehpartyiran.org>

آدرس‌های اینترنت و «ای-میل»

E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

25 May 2020

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

004930
23629727



ضمیمه کارگری نامه مردم - شماره ۳۳
Nameh Mardom - Workers Supplement No.33